



۲۰۱۹/۱۰/۰۳

قیس کبیر

در حیرتم که آقای ولی احمد نوری چرا اینطور نوشت؟

قسمت اول

برای وضاحت بیشتر اگر علاقه داشتید، نظر آقای ولی احمد نوری را درین ارتباط در لینک زیر مطالعه کرده میتوانید. در حیرتم که برای این نوشته چه عنوانی برگزینم

نخست از همه باید بگویم که نظر به تربیه و اخلاقی که از فامیل برای من رسیده و به پاس احترام خاصی که در دوران آشنائی و دوستی از محترم ولی احمد نوری آموخته ام و او را استاد گفته ام، دشنام نامۀ شان را با همه، توهین ها، تهمت ها و بد و رد های که در بارۀ من نوشته اند نادیده میگیرم. اما اینرا حق حقوقی، انسانی و اخلاقی خود میدانم که تا در مقابل او از خود دفاع کنم و حقایق را آنچه که هست بنویسم.

جناب ولی احمد نوری مرا مجبور ساختند که حقایقی را که دیگران نمی دانند بنویسم و خوانندگان خود قاضی شوند و قضاوت کنند و ببینند که پشت هر اتهام شان چقدر حقیقت های تلخ دیگر موجود است که روی آن پرده کشیده شده است. میخواهم جهت جلوگیری از ضیاع وقت نکته وار به جواب جناب ولی احمد نوری، پردازم.

دلیل اصلی نفرت و انزجار ولی احمد نوری نسبت به من چیست؟

در اینجا برای توضیح این علت به تیوری روانشناسی رجوع میکنم:
یک دانشمند روانشناس آکواریومی شیشه ای ساخت و با دیواری شیشه ای آن رابه دو قسمت کرد، در یک قسمت ماهی بزرگی گذاشت و در قسمت دیگر ماهی کوچکی که غذای مورد علاقه ی ماهی بزرگ بود ! ماهی کوچک تنها غذای ماهی بزرگ بود و دانشمند به آن غذای دیگری نمی داد ماهی بزرگ برای خوردن ماهی کوچک بارها و بارها به طرف ماهی کوچک حمله می کرد، اما هر بار پوزش به دیواری نامرئی می خورد ... یعنی همان دیوار شیشه ای که او را از غذای مورد علاقه جدا می کرد ... بالاخره بعد از مدتی از حمله به ماهی کوچک منصرف شد ... زیرا ذهناً او باور کرده بود که رفتن به آن طرف آکواریوم و خوردن ماهی کوچک کاری غیر ممکن است

دانشمند شیشه وسط را برداشت و راه ماهی بزرگ را باز کرد ؛ اما ماهی بزرگ هرگز به ماهی کوچک حمله نکرد ! او هرگز قدم به سمت دیگر آکواریوم نگذاشت تا بالاخره از گرسنگی مرد! می دانید چرا ؟ !
آن دیوار شیشه ای دیگر وجود نداشت، اما ماهی بزرگ در ذهنش یک دیوار شیشه ای ساخته بود، دیواری که شکستنش از شکستن هر دیوار واقعی سخت تر بود؛ آن دیوار باور خودش بود ... باورش به محدودیت ... باورش به وجود دیوار ... باورش به ناتوانی ...

در واقع این باورهای انسان هاست که واقعیت هایشان را می سازد. بلی جناب ولی احمد نوری در ذهن خود دیواری ساخته است که از آن عبور کرده نمیتواند!!!
حالا برای وضاحت بیشتر می پردازم به دلیل نفرت و انزجار ولی احمد نوری از من.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آن لائن په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

- یکی از دیوار های غیرقابل عبوری که جناب نوری در ذهن خود برای خود ساخته اند، احساس دل‌بستگی تهوع آور شان برای نادر شاه، ظاهر شاه، و شاعر مداح این هردو خلیل الله خلیلی بود و است که درین قسمت ایشان هیچ نوع انتقاد و بدگویی از این اشخاص را قبول نداشتند و ندارند. و هر کسی که در باره این سه کس چیزی مینوشت ولو یک جمله و یا یک سطر میباید از نشر باز می ماند و سانسور می شد و نویسنده را با اشکال و انواع بهانه های تحقیر آمیز بی مورد مجبور میساخت تا از همکاری با وبسایت افغان جرمن آنلاین دلسرد شود و خود را کنار بکشد و به کدام رسانه دیگری رجوع نماید. من متوجه این نزاکت بودم و شکایتها و حکایتهای همکاران قلمی به من از طریق تلفون یا ایمیل میرسید.

تنها راه بیرون رفت از این بن بست برای من، این بود که یک بخش جدیدی را ایجاد کنم و برای شان امکانات اینرا فراهم سازم که ایشان خود بتوانند مقالات شان را طوری که مینویسند، بدون سانسور و باز بینی جناب ولی احمد نوری، آنلاین بسازند. مثلاً: جناب داکتر سید عبدالله کاظم، جناب اکادمیسین محمد اعظم سیستانی، جناب داکتر عبد الرحمن زمانی و جناب محترم مسعود فارانی. ایشان از جمله همکارانی هستند که همیشه واقعبیت های تاریخی را به طور مستند و با استدلال بسیار قوی ارائه میکردند. تا زمانی که ما هنوز این بخش را ایجاد نکرده بودیم، مقالات ایشان گاهی اجازه نشر میداشت و گاهی هم نه میداشت و این کار سبب رنجش این نویسندگان هم شده بود.

- اما بعد از ایجاد این راه حل مشکلات نویسندگان، کتابها و اسناد مهم تاریخی در آرشیف های شان جمع آوری شد و بعضاً به شکل کتاب در افغانستان مورد نشر قرار گرفتند (لطفاً به آرشیف ها مراجع کنید). خصوصاً کتاب های مانند **توطئه های انگلیس علیه حکومت امانی**، از محترم داکتر زمانی و کتاب **زندگی سیاسی شهید محمد داود از آغاز تا انجام** از محترم داکتر کاظم که واقعبیت های تاریخی را برملا ساختند.

- دلیل ایجاد این بخش البته به هیچ صورت به منظور تخریب دیوار فکری (نامرئی و مجازی) جناب ولی احمد نوری نبود بلکه فراهم سازی امکانات بیرون کشیدن حقایق از قلم نویسندگان دانا و توانای ما برای ملت افغانستان بود که افغان جرمن آنلاین این را مسؤولیت خود میدانست و همیشه خواهد دانست. اینکه با نشر این کتب و نوشته ها مقام و منزلت کدام بت ذهنی جناب ولی احمد نوری تخریب شده و یا چهره و سیمای خدمتگاران واقعی کشور برجسته گردیده و یکی بر دیگری برتری یافته است و از دیگری نزول کرده بر اساس کدام پلان و سوء نیت نه بلکه به اساس برملا ساختن **واقعبیت های تاریخی و کارکردهای** شخصیت های مختلف سیاسی بود که مردم افغانستان حق داشتند آنها را بشناسند و با کارنامه های شان آشنا شوند. **و من با صراحت مینویسم که این یگانه دلیل انشعاب** جناب ولی احمد نوری و یکتعداد حواریون او از **افغان جرمن آنلاین بوده و بس.**

- اگر چه من بارها برای جناب ولی احمد نوری گفته و خواهش کرده بودم که ایشان اجازه دهند که نویسندگان ما حقیقت ها را بنویسند و اگر خودشان کدام دلیل موجه برای رد آنها دارند اظهار کنند و با استناد اسناد به رخ شان بکشند. اما با تأسف چون ایشان چیزی در بساط نداشتند، چیزی نوشته نکردند و فرار را بر قرار ترجیح دادند. دلیلی که ایشان زیاد در افغان جرمن آنلاین انتقاد گونه به تکرار میگفتند این بود که در افغان جرمن آنلاین پرچمی ها و شعله نی ها زیاد شده اند و فضای پورتال را آلوده کرده اند. در حالیکه قلم های پرچمی معروف و عضو کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق (صبح، حمید روغ و دیگری داکتر اکبریوسفی) در همان زمان هم در خدمت خواسته های نوری به گردش بودند و امروز هم صفحات و وبسایت شان با مقالات همان پرچمی ها مزین است. نمیدانم که حالا چرا از پرچمی ها بد شان نمی آید؟ شاید هم به خاطری که آن ها مداحان «بابای ملت» شده اند....

موضوع دیگری را که یاد آور شده اند تخریب ایشان توسط شخص من است. در حالیکه من هرگز ایشان را تخریب نکرده ام بلکه انتقاد نموده ام، حتی که برای اشخاص سومی هم این اجازه را نداده ام که از طریق افغان جرمن آنلاین در باره ایشان بد ورد بنویسند. ولی برعکس ایشان تا توانسته اند افغان جرمن آنلاین را نه به شکل مستقیم بلکه به طور غیر مستقیم توسط اشخاص دیگر تخریب کرده اند.

نقاط قابل تذکر:

1- در مورد رفتن یکتعداد از دوستان و نویسندگان فعال وبسایت افغان جرمن آنلاین جناب ولی احمد نوری می نویسند: «... در مورد رفتن جناب دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی، محترمه خانم ملال نظام، محترمه خانم نسرین معروفی،

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

جناب قلمبندست دانشمند حمید جان انوری عزیز و نویسنده عالی‌مقام و دوست گرانقدرم جناب میر عبدالرحیم عزیز نویسنده عالی‌مقام از سایت افغان جرمن من اصلاً نقشی نداشته ام و این دروغ شاخدار آقای محمد قیس است که بر شرم و خجالت او می افزاید. چه یک دروغ بزرگ و شرم آوری!!

آقای نوری چرا از واقعیت چشم پوشی میکنید. خوب به یاد تان است که شما در مقاله یک نویسنده که در باره مجید کلکانی نوشته شده بود و وی را توصیف کرده بود شما با قلم سرخ در زیر مقاله شان به نام افغان جرمن آنلین نوشته بودید که «**مجید کلکانی هم یک قاتل و یکی از دزدان سرگردنه بود**» که این جمله شما سبب برافروختگی و خشم چندین نویسنده همکار افغان جرمن آنلین شد و از جمله محترم حنان روستائی برایتان تلیفون نمود شما را هم با سخنان بسیار خشم آلود مخاطب قرار داد تا حدی که شما گوشی را از شدت خشم گذاشتید. همچنان حمید انوری که شوهر همشیره اش داکتر واحد واکمن از جمع سامانی ها بود و با مجید کلکانی به شهادت رسیده بود و کسانی را که شما خود از آنان نام برده اید به غضب ساختید.

به نسبت همین حرکت و حساسیت شما در برابر مجید کلکانی، که از ما نه بلکه از شما دلگیر شده و پورتال را ترک کردند که این موضوع برای همه مثل آئینه روشن و آشکار است **لطفاً از چنین حقیقت آفتابی چشم پوشی نکنید**. در آنزمان من شخصاً سعی نهائی ام را به خرج دادم که از انشعابی که با تأسف صورت گرفت جلوگیری نمایم ولی مؤثر واقع نشد. اما بعد از انشعاب همکاران آزرده خاطر ما دوباره متوجه شدند که اشتباه از تمام تیم نه بلکه حساسیت یک نفر بود لهذا تعداد زیاد شان دوباره همکاری شان را با پورتال آغاز کردند. از جمله میتوان از اشخاصی مثل خانم ملال نظام، اکادمیسین سیستانی، محترم حنان روستائی حمید انوری نام برد...

2- در مورد برداشتن مقالات معروفی جناب ولی احمد نوری می نویسند:-

«در حصة برداشتن مقالات عالی، دانشمندان و ادبی و فرهنگی جناب معروفی صاحب به جز خود محمد قیس احدی مسؤلیت ندارد و من مانند دیروز به یاد دارم که در این مورد جناب کریم عطایی و این بنده اساساً به برداشتن مقالات جناب معروفی موافق نبودیم چون اصلاً آن مقالات مال مردم افغانستان و همه جوانان متعلم و محصل وطن بود و نه کس دیگر، این دو دروغ شاخدار!!»

درین قسمت باید بگویم که من گفته های ایشان را در قسمت کشیدن نوشته ها تصدیق میکنم که جناب ولی احمد نوری و جناب کریم عطایی خود نمی توانستند که این نوشته ها را یک یک بیرون کنند زیرا از نظر تخنیک ایشان در آن سطح نبودند به جز کسانی که این شناخت تخنیک را داشتند. من خداوند را حاضر و ناظر دانسته قسم میخورم که این کار من نبوده و جناب ولی احمد نوری خوب میدانند که غیر از من کی به مسائل تخنیک و بسایت دسترسی داشت و به تشویق کی این کار انجام شده است.

در قسمت داوود مومند من هرگز نگفته ام که شما نوشته اید زیرا سیستم و طریق نوشتار شما و مومند صاحب را همه می شناسند. هدف من فقط این بوده که شما باز نویسی و اصلاح کاری کردید که به دل خود تان و به مذاق تان برابر باشد. فقط دو نوشته اخیر شاغلی مومند را با نوشته های سابقه شان مقایسه کنید...

3- جناب ولی احمد نوری می نویسند:- «دیگر نتوانستم در برابر این همه لچکی و تجاوزات ایشان خاموش بنشینم و ایشان مرا مجبور ساختند که باید از پرده برون افتد راز!!»

اگر از راز ها صحبت شود. من بسیار مسایل و راز های از شما در سینه دارم که به بسیار سادگی میتوانم بیرون دهم. اما برای فعلاً وجدان و اخلاق و تربیه فامیلی من به من این اجازه را نمی دهد که راز ها و گفته های که در دوران دوستی با کسی دارم بعد از گسستن رشته دوستی آنها به رخ دوست سابق بکشم و در صورت تکرار دشنام نامه های عاری از حقیقت چاره ای جز برون انداختن راز های ناگفته راه دیگر ندارم...

ادامه دارد

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ